

# امام رضا (ع) و فتنه واقفیه

\* جواد معین

یکی از تلخ ترین و رنج آورترین حادثه ای که بعد از شهادت امام کاظم (ع) رخ داد، پدید آمدن گروه واقفیه در برابر حضرت رضا (ع) بود امام (ع) از سویی در محاصره افکار شوم خلافت هارون بود و از سویی دیگر، وضعیت اسفناک و پدیدۀ «واقفی گری» را باید ختنی می کرد؛ بنابراین حضرت توانست با درایت و دور اندیشی، به مبارزه و مقابله با این گونه فتنه ها بپردازد.

در این نوشتار، به طور گنرا با این جریان منحرف عقیدتی آشنا می شویم



## پیدایش واقفیان

یکی از گروه هایی که در تاریخ اسلام، با سوء استفاده از فضای اجتماعی و سیاسی جامعه توانستند بر موج افکار مردم مسلط شوند، فرقه واقفیه بود. این گروه، در سال ۱۸۳ هـ ق همزمان با شهادت امام کاظم (ع) رسماً اعلام موجودیت کرد و با انکار شهادت آن امام به سرکشی و طغیان علیه امامت حضرت رضا (ع) پرداختند.

واقفیه را از آن جهت «واقفیه» نامیدند که بر امامت حضرت موسی بن جعفر (ع) توقف نمودند و آن حضرت را به عنوان آخرین فرد در سلسله امامت پنداشتند. آنها معتقد بودند که امام موسی بن جعفر از دنیا نرفته و زنده است و روزی به امر خداوند، ظاهر می شود و شرق و غرب جهان را از عدل و داد پر می کند.

آنها حتی داستانی دروغین نیز درباره شهادت امام موسی بن جعفر (ع) ساخته بودند و می گفتند: وقتی دستگاه خلافت هارون الرشید تصمیم بر آن گرفت که امام موسی کاظم (ع) را به قتل برساند، امام (ع) روز هنگام از زندان خارج شد و دیگر کسی او را ندید و آن شخص را که دستگاه اعلام کرد در زندان فوت نموده، امام (ع) نبوده است؛ بلکه شخصی شبیه آن حضرت بوده است.

«تکته جالب توجه این است که شهادت هفتمین امام (ع) در شمار روشن ترین رخنادهای تاریخ امامان (ع) است، به ویژه آنکه دستگاه خلافت، چند روز جسد امام

(ع) را کنار پل بغداد به نمایش گذارد و از بزرگان قوم نیز گواه گرفت که حضرت به مرگ طبیعی از دنیا رفته است. به هر حال، چنین جریان بی پیش آمد و تعدادی به نام «واقفیه» ظهور نمودند. شایان یاد است که شخص امام موسی بن جعفر (ع)، پیدایش چنین حرکتی را پیش بینی کرده و در سخنانی به محمد بن سنان فرموده است: هر کس در حق فرزندانم، ستم روا دارد و پس از من امامت او را انکار کند، مانند کسی است که در حق علی بن ابی طالب ستم نموده و جائزینی و امامت او پس از پیامبر (ص) را انکار کرده است» گروه تاریخ بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۱: ۲۷.

امام موسی بن جعفر (ع) با علم و درایت خود و آگاهی داشتن از طرز تفکر جامعه آن روز و با بیانات صریح و مکرر کوشید تا امامت و ولایت فرزندش حضرت رضا (ع) را به همگان اعلام نماید و از این طریق، نوعی پادزهر سیاسی و عقیدتی را در مقابل فتنه واقفیه، خلق نماید. بنابراین امام موسی بن جعفر (ع) به جنبش واقعی ها، پس از درگذشت خودش آشکارا اشاره می فرماید و معتقدان به آن را سرزنش و دین آنها را باطل و گمراه معرفی می کند.

«آراء و اعتقاد واقفیه نسبت به امام موسی بن جعفر (ع) مختلف است، آیا آن حضرت زنده است یا فوت کرده؟ به آسمان رفته یا در زمین است؟ و ... ولی آنچه از نظر کلی می توان در مورد واقفیه بیان کرد، این است که همه آنان بر این عقیده، وحدت نظر دارند که امام کاظم (ع)، امام قائم است و پس از او امامی وجود ندارد» (تقوی ۱۳۶۶: ۱۹۲).

**حضرت رضاع (ع) در موارد متعدّد، گروهک واقفیه را ملعون، زندیق، مشرک و کافر خواندند و مردم را به شدت از همنشینی و مصاحبت با این گروهک برحذر داشت. به این سه روایت توجه کنید: ... علی بن عبدالله زبیری می گوید: در ضمن نامه ای در مورد واقفیه از امام رضاع (ع) سؤال کردم. امام در پاسخ نوشت: واقفی ها از حق منحرف هستند و آلوده به گناه می باشند و اگر در این حال بمیرند جایگاهشان دوزخ است که جایگاه ابدی است.»**

ضعیف النفس، فریب این عوام فریبی ها را نخورند و گرفتار شبکه های آلوده آنها نشوند.

حضرت رضاع (ع) در موارد متعدّد، گروهک واقفیه را ملعون، زندیق، مشرک و کافر خواندند و مردم را به شدت از همنشینی و مصاحبت با این گروهک برحذر داشت. به این سه روایت توجه کنید: ... علی بن عبدالله زبیری می گوید: در ضمن نامه ای در مورد واقفیه از امام رضاع (ع) سؤال کردم. امام در پاسخ نوشت: واقفی ها از حق منحرف هستند و آلوده به گناه می باشند و اگر در این حال بمیرند جایگاهشان دوزخ است که جایگاه ابدی است.»

۲. در مورد دیگر فرمود: «واقفیه، در حیرت و سرگردانی هستند و در حال کفر و الحاد می میرند.»

۳. در جایی دیگر فرمود: «به آنها زکات ندهید، زیرا آنها کافر، مشرک و منکر و ملحد هستند» (اشتهاردی ۱۳۷۴: ۳۰).

حضرت رضاع (ع) با آگاهی از این نکته که این برخورد، باید برخوردی ریشه ای، تبلیغی و مکتبی باشد و با جنگ های نظامی و مسلحانه کاملاً متفاوت است، در مقابل این «جنگ سرد و نرم»، به نوعی دفاع تبلیغی و پدافند عقیدتی روی آوردند تا بتوانند بر علیه جوسازی های شوم آن فرقه باطل، جامعه آن روز را بیدار و هشیار کنند. بنابراین، در روایات مختلف و به مناسبت های متفاوت، ماهیت این فرقه را معلوم و رسوا نمودند و حتی در برخی موارد، آنها را همردیف کفار و مشرکان برشمردند.

مسلمان هر انسان و هر گروهی که راهی جدا از راه معصومین (ع) در پیش گیرد محکوم به شکست و نابودی است و در عین حال که «فتنه واقفی ها مدت نسبتاً درازی ادامه یافت و اختلاف و کشمکش میان آنها و فرقه ناجیه تا آن زمان که خداوند سقوط و انقراض آنها را مقدر کرده بود، در لوح خود بود؛ ولی چون این پدیده بر اساس درستی و استوار نبود، نتوانست مدتی طولانی پایداری کند و از میان رفت» (فضل الله، ۱۳۸۵: ۸۷).

بنابراین همواره بایستی در گرداب های فتنه و تلاطم های انحراف به سیره پُربرکت ائمه (علیهم السلام) تأسی کنیم؛ چرا که تنها کشتی نجات و چراغ هدایت، وجود مبارک ایشان است.

**\* انگیزه ها و جریان فکری واقفیه**  
 رهبران واقفیه به خاطر طمع به مال دنیا و سوء استفاده از اعتقاد امام کاظم (ع) به آنها، این گروه انحرافی را تشکیل دادند تا به خیال خام خودشان، مهر تأییدی نیز از امام کاظم (ع) داشته باشند. مرحوم کشی در «رجال» خود می نویسد: «در هنگام محبوس بودن حضرت امام موسی کاظم (ع)، دو وکیل ایشان در کوفه، سی هزار دینار بابت سهم امام از شیعیان آن حضرت جمع آوری کردند و چون امام در زندان بود، با آن پول برای خود خانه ها و چیزهای دیگر خریدند و چون خبر فوت امام را شنیدند برای این که پول ها را پس ندهند، با کمال بی شرمی، منکر شهادت امام موسی کاظم (ع) شدند و درباره او توقف کردند و از آن جهت، پیروان ایشان را واقفیه خواندند» (شکور، ۱۳۷۲، ص ۴۵۵). واقفیه آن چنان فضای فکری را پیرامون امام و امامت مشوّش ساخته بودند که ائمه ما حرکت گمراه کننده و اختلاف برانگیز آنان را به فتنه تعبیر کرده اند و حتی پیدایش این فتنه و نیزنگ را از سال های پیش، هشدار داده بودند. «امام صادق (ع) به سلیمان فرمود: ای سلیمان! فرزندان را از فتنه شیعیان ما در پناه خداوند قرار بده. گفت: قربانت شوم، آن فتنه چیست؟ فرمود: انکار امامت ائمه (ع) و وقوف بر فرزندان موسی (ع) و انکار مرگ او و گمان آنها این است که بعد از موسی بن جعفر، امامی نیست. آنان با چنین فتنه ای که بر پامی کنند، بدترین مردم هستند» (تقوی، ۱۳۶۶: ۱۹۴).

تبلیغات و جوسازی های گسترده رهبران واقفیه، در تحکیم موقعیت اجتماعی آنان مؤثر بود و زمینه را برای توسعه دادن این فکر مسموم، تا آن جا آماده ساخت که بخش قابل توجهی از اوقات امام رضاع (ع)، صرف پاسخگویی به شبهات این گروه منحرف می شد.

از اصلی ترین چهره های این فرقه می توان به افراد ذیل اشاره نمود:

۱. زیاد قندی که نماینده حضرت موسی بن جعفر (ع) در مراجعات مردمی بود و پس از شهادت آن حضرت، منکر ولایت امام رضاع (ع) شد.
۲. علی بن ابی حمزه بطائنی که در گرفتن وجوه شرعی از امام کاظم (ع) و کالت داشت و به همین جهت دلاری موقعیت اجتماعی خوبی بود.
۳. حسین بن قیاما
۴. عثمان بن عیسی

بنابراین چنانکه تاریخ نیز می گوید، کسانی که این فتنه را بر پا داشتند و این تفرقه ها را به وجود آوردند، از کارگزاران امام موسی بن جعفر (ع) و خزانه داران اموالی بودند که از شیعیان جمع آوری می شد و انگیزه های نفسانی و شیطانی، آنها را از تسلیم این اموال به فرزند امام (ع) و جانشین او باز می داشت. با این توجیه نادرست که امام کاظم (ع) زنده است و آنها می خواهند اموال را نگه دارند تا حضرت باز گردد و به او تسلیم کنند. بنابراین می توان عامل اصلی در ایجاد چنین انحرافی را، دنیا پرستی و دنیا دوستی آن فرقه دانست. زیرا آنان که برای نخستین بار، غیبت موسی بن جعفر (ع) را به عنوان امام غایب مطرح کردند و با بیان این مطلب که امام کاظم (ع) از دنیا نرفته است، منکر امامت و ولایت حضرت رضاع (ع) شدند، نمایندگان امام (ع) در گرفتن وجوه شرعی بودند.

عامل دیگر در انحراف این گروه، برداشت های غلط و ناآگاهی هایی بود که آنها نسبت به روایات و سخنان ائمه معصومین (ع) داشتند. «گروهی از واقفیه، توان فکری لازم، جهت درک مفاهیم گفتار ائمه را نداشتند. آنها از اشارات و کنایات موجود در سخن آگاه نبوده و به مسایل خاص سیاسی و فرهنگی جامعه که بسیاری از سخنان امامان (ع) را باید با توجه به جریان های سیاسی زمان فهمید، بی توجه و یا بی اطلاع بودند؛ بنابراین، یک بُعدی اندیشیدن و مجموعه را ندیندن، موجب می گردد تا انسان با سرعت به بیراهه کشانده شود. واقفیه نیز از این ضعف فکری برخوردار بوده و بخشی از انحرافات آنان را باید در همین رابطه جستجو نمود» (تقوی، ۱۳۶۶: ۲۰۹).

**\* برخورد امام رضاع (ع) با واقفیه گری**

امام رضاع (ع) در برخورد و مبارزه با این فتنه، رنج های بسیاری را متحمل شد. آن حضرت، اوهام پوچ و پیاوه گویی های واقفی را باطل و مردود اعلام کرد و از انگیزه نفسانی و دنیوی آنها پرده برداشت و رسوا کرد، تا افراد و انسان های

منبع  
 ۱. تقوی، سیدرضا (۱۳۶۵) واقفیه و حضرت رضاع (ع) مجموعه آثار حسین کنگره جهلی، حضرت رضاع (ع)، جلد اول، چاپ اول، مؤسسه چاپ و انتشارات اساتذ قلم رضوی.  
 ۲. شکور، محمد جواد (۱۳۷۲) فرهنگ فرق اسلامی، چاپ دوم، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.  
 ۳. اشتهاردی، محمد (۱۳۷۴) نگاهی به بر زندگی امام رضاع (ع)، چاپ اول، نشر مطهر.  
 ۴. گروه تاریخ اسلام، (۱۳۸۱) امام علی بن موسی رضاع (ع)، چاپ پنجم، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.  
 ۵. فضل الله، محمد جواد (۱۳۸۵) تجلی از زندگی امام رضاع (ع)، چاپ سیزدهم، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.